

## تجزیه و تحلیل جنگ شناختی بی.بی.سی فارسی در حوادث بعد از فوت مهسا امینی (شهریورتا دی ماه ۱۴۰۱)

چکیده

در عصر حاضر جنگ شناختی، ابزار اصلی دستیابی به اهداف توسعه طلبانه‌ی قدرت‌های استکباری بدون درگیری نظامی است. جنگ شناختی، رهیافتی ترکیبی از ظرفیت‌های نبرد غیرجنبشی متعلق به فضای مجازی برای پیروزی در جنگ بدون رودرویی فیزیکی است. دشمن در سال ۱۴۰۱، بعد از فوت مهسا امینی با استفاده از ابزار رسانه از جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد. بنابراین؛ پژوهش حاضر می‌کوشد با روش تحلیل گفتمان انتقادی و ندایک و با استفاده از جامعه‌ی آماری اخبار منتشر شده از رسانه‌ی فارسی‌زبان بی.بی.سی فارسی در بازه‌ی زمانی شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱، جنگ شناختی و جریان‌سازی رسانه‌ای خبرگزاری بی.بی.سی فارسی را شناسایی کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است: متون خبری بی.بی.سی فارسی از لحاظ سبک واژگانی، افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن، غیرسازی، استنادها، پیش‌فرض‌ها و تداعی و تلقین‌ها، درصدد است تا با راه‌اندازی جنگ شناختی از طریق ابزار رسانه؛ گفتمان‌هایی را شکل دهد؛ واکاوی گفتمانی از متون اخبار رسانه‌ی بی.بی.سی فارسی نشان داد که: گفتمان اصلی وب‌سایت بی.بی.سی فارسی در خصوص پوشش خبری اعتراضات بعد از فوت مهسا امینی، «حجاب اجباری»، «خشونت پلیس»، «نبود آزادی و عدالت»، «نقض حقوق بشر»، و «نارضایتی عموم» بوده است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، وندایک، جنگ شناختی، بی.بی.سی فارسی، مهسا امینی، ایران

## مقدمه و بیان مسئله

تغییر و تحول ماهیت جنگ به‌ویژه در دوران پس از جنگ سرد و پیچیده‌تر شدن میدان نبرد و تسلیحات مورد استفاده در این نوع نبرد، لزوم بازنگری در اقدامات پدافندی و مجهز شدن به ملزومات و توانمندی‌های موردنیاز در این عرصه را برای تأمین امنیت ملی هرکشوری ضروری می‌سازد؛ غفلت از این مهم آسیب‌های جبران‌ناپذیر و مخربی به‌دنبال خواهد داشت که به مراتب از تلفات و آسیب‌های ناشی از جنگ سخت و حملات نظامی بیشتر خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس با انواع تهدیدهای سخت، نیمه سخت و نرم مواجه بوده است که در مقابله با هریک از این چالش‌ها تجاربی به دست آورده است. مطالعه‌ی سیر تحول تهدیدات علیه جمهوری اسلامی به خوبی مؤید این مطلب است که با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک و ساختاری در صنایع نظامی و راهبرد قدرت نظامی بازدارنده جمهوری اسلامی، دشمنان نظام علی‌رغم روی میز نگه داشتن گزینه نظامی و رویکرد سخت علیه ایران، به‌دنبال رویکردهای کم‌هزینه‌تر و البته پیچیده‌تری هستند که فروپاشی از درون را به‌دنبال خواهد داشت.

جنگ شناختی<sup>۱</sup> یکی از رویکردهای مورد استفاده علیه جمهوری اسلامی است که با استفاده از ابزارهایی نظیر رسانه، تبلیغات وسیع و پروپاگاندا<sup>۲</sup> بارها مورد استفاده قرار گرفته و البته آسیب‌ها و خساراتی نیز برای کشور به‌همراه داشته است. در جنگ شناختی، میدان جنگ، ذهن انسان و تسلیحات آن فناوری‌های رسانه‌ای، اطلاعاتی، داده‌ای و شناختی است. با توجه به همین ظرفیت رسانه‌ها، کشورهای انگلیس و آمریکا همواره در نیم قرن اخیر سعی کرده‌اند تا با استفاده از ابزار رسانه و در چارچوب جنگ شناختی، بر افکار عمومی و نخبگان جامعه از طریق تغییر باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها و از طریق مدیریت ادراک و برداشت، تأثیر بگذارند. انگلیس و آمریکا بوسیله‌ی شبکه خبری با عنوان بی.بی.سی که به ۳۲ زبان زنده در قالب سایت اینترنتی، صدا، تصویر و حضور فعال در شبکه‌های مجازی برنامه‌های خبری پخش و منتشر می‌کند، تاکنون توانسته است اهداف سیاست‌مداران انگلیسی و آمریکایی را با استفاده از جنگ شناختی و ابزار رسانه، با افکار عمومی کشورهای هدف پیش ببرد. یکی از کانون‌های توجه این رسانه‌ها حوادث بعد از فوت مه‌سامینی در پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ بود. حضور پررنگ و فعالیت بی.بی.سی فارسی در پوشش خبری وقایع مربوط به این برهه‌ی تاریخی که به‌نوعی واکنش مقامات امنیتی و اطلاعاتی ایران را نیز به‌همراه داشت، علت انتخاب این رسانه توسط پژوهشگر است. با توجه به مفهوم و ماهیت جنگ شناختی و تعاریف ارائه شده برای آن و به‌کارگیری ابزار رسانه به‌عنوان عاملی موثر با ضریب نفوذ بالا در ذهن مخاطبین و دستکاری ذهنی جامعه‌ی هدف و اثرگذاری بر امنیت ملی، دغدغه‌ی اصلی پژوهشگر دستیابی به مؤلفه‌هایی است که رسانه‌ی مورد پژوهش در تولید محتواهای خبری خود بکار برده‌اند. به بیان ساده می‌توان گفت مسئله‌ی اصلی پژوهشگر شناسایی مؤلفه‌های جنگ شناختی بکار برده شده در متون اخبار بی.بی.سی فارسی با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی وندایک است و بدلیل اینکه پژوهش از نوع اکتشافی است؛ فاقد فرضیه و پاسخ احتمالی به سوال اصلی پژوهش است.

## ادبیات پژوهش

در رابطه با موضوع جنگ شناختی در منابع داخلی و خارجی پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است، ولی پژوهشی مشابه با عنوان این پژوهش یافت نشد. با این وجود برخی منابع که در ارتباط با جنگ شناختی و ادراکی و رسانه هستند در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

- ۱- هوشیار (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان اخبار در پایگاه‌های خبری بی.بی.سی فارسی و ایرنا به پوشش وقایع خاورمیانه و شمال آفریقا» می‌کوشد نسبت به سیاست‌های خبری این دو رسانه حقایق را مطرح کند. تحلیل گفتمان با استفاده از رویکرد داده‌کاوی وندایک، روش بکار رفته در این پژوهش است. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش انجام شده در نوع نگاه به مسائل داخلی ایران است که در پژوهش هوشیار با توجه به سلسله حوادث مربوط به تحولات خاورمیانه در بازه‌ی زمانی مشخص، بر روی مسائل ایران تمرکز ندارد در حالیکه پژوهش حاضر به‌طور خاص حوادث بعد از فوت مه‌سامینی را در بازه‌ی زمانی مشخص در ایران بررسی می‌کند. از دیگر تفاوت‌های پژوهش حاضر تمرکز بر جنگ شناختی است در حالی که در پژوهش هوشیار، بر این امر تأکید نشده است.
- ۲- خیرآبادی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش عوامل زبانی و غیرزبانی در شکل‌دهی به اخبار» و از جمله خبرهای سیاسی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته که حاصل آن، ارائه‌ی انگاره‌ی زبان شناختی از فرایند

<sup>۱</sup> -Cognitive War

<sup>۲</sup> پروپاگاندا عبارت است از: انتقال ارتباطات، اطلاعات و پیام‌ها به منظور ایجاد تغییر در آگاهی یا ناخودآگاه جامعه‌ی هدف است.

نگارش و گزینش خبر است که ماهیتی پویا و چند سطحی داشته و به خبر بعنوان گفتمانی می‌نگرد که محصول تعامل عناصر و عوامل متعدد و ماهیت متفاوتی است. که یکی از موارد تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش خیرآبادی، تمرکز بر جنگ شناختی با استفاده از ابزار رسانه است.

۳- عالیشوندی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای غرب بر روند چگونگی حوادث دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران» است که مورد مطالعاتی آن تلویزیون پی.بی.سی فارسی است. در این پژوهش اخبار و گزارش‌های پی.بی.سی فارسی از زمان افتتاح این شبکه تا پایان شهریورماه سال ۱۳۸۸ بعد از انتخابات دهم به روش تحلیل محتوا بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که پی.بی.سی فارسی سه اصل «بیطرفی، مخاطب‌محوری و تکرگرای» را در اطلاع‌رسانی‌های خود رعایت می‌کند تا از این طریق زمینه جذب و همراهی مخاطبان کشورهای هدف را فراهم کند. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش نام برده در آن است که پژوهش حاضر بر دو رسانه تأکید دارد حال که پژوهش نام برده بر یک رسانه متمرکز است و پژوهش حاضر با استفاده از مبانی نظری جنگ شناختی و با روش تحلیل گفتمان وندایک به واکاوی مؤلفه‌های گفتمانی رسانه می‌پردازد که از دیگر نقاط قوت این پژوهش نسبت به پژوهش عالیشوندی است.

۴- ستاجی و شیروان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر دو مؤلفه نحوی وجهیت و تعدی در بازنمود خود و دیگری در متون مطبوعاتی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی» با استفاده از مفاهیم و ابزارهای زبان‌شناختی در تحلیل گفتمان انتقادی، ۴۰ متن منتخب از روزنامه‌ها را مورد بررسی قرار داده و چگونگی بازنمود «خود» و «دیگری» را در آنها مطالعه کرده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که تمامی انتخاب‌های زبانی، علاوه بر اینکه تفاوت در زیربنای فکری و عقاید و اهداف تولیدکنندگان متون را می‌رسانند، به‌صورت آگاهانه انجام شده و در راستای هدف مقصود موردنظر نویسنده و القای ایدئولوژی او به مخاطب هستند. تفاوت پژوهش حاضر در این است که: پژوهش فعلی با استفاده از تحلیل متن به شیوه‌ی داده‌کاوی وندایک به دنبال اکتشاف و استخراج مؤلفه‌های جنگ شناختی استفاده شده در برهه‌ی زمانی مشخصی که امنیت ملی ایران را با تهدید جدی مواجه کرده است. تأکید پژوهش حاضر بر جنگ شناختی بعنوان مبانی نظری، از نقاط قوت پژوهش حاضر است.

۵- آلوارو<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «جنگ شناختی»، جنگ شناختی را به‌عنوان پیشرفته‌ترین شکل جنگ تا به امروز برای دستکاری رفتار در مقیاس انبوه برای به‌دست‌آوردن مزیت استراتژیک می‌داند. نتیجه می‌گیرد که به‌جای میدان‌های نبرد پر از جنازه جنگ فیزیکی، تئاتر عملیات جنگ شناختی ذهن انسان است و در آن عملیات در میدان‌های ادراک، احساس و حافظه تحقق می‌یابد. تفاوت و مزیت پژوهش حاضر با پژوهش آلوارو با استفاده از روش تحیل گفتمان انتقادی پژوهش حاضر و همچنین تمرکز بر رسانه‌ی پی.بی.سی فارسی بعنوان ابزارهای جنگ شناختی دشمن علیه ج.ا.ا است.

۶- گزار<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی تحقیر زنان در ضرب المثل‌های منتخب آمریکایی و انگلیسی» پژوهشگر برای دستیابی به بهترین درک از نتایج تحقیق از روش تحقیق کمی استفاده کرده است و با توجه به داده‌ها، چهار ضرب‌المثل نشان‌دهنده فرهنگ آمریکایی و چهار ضرب‌المثل نشان‌دهنده فرهنگ بریتانیایی را انتخاب نموده است. نتایج کلی این مطالعه نشان داده است که زنان در هر دو فرهنگ تحت درمان زناشویی قرار می‌گیرند. به‌طور خلاصه، این مطالعه یک تحلیل انتقادی و زبانی از نحوه درک زنان در ضرب‌المثل‌های انگلیسی از دیدگاه رهایی‌بخش ارائه کرده است. تفاوت پژوهش گزار با پژوهش حاضر در این است که پژوهش حاضر علاوه بر استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی و تمرکز بر ابزار رسانه، جنگ شناختی نیز بعنوان مبانی نظری قرار داده است. همچنین حوادث بعد از فوت مهسا امینی بعنوان بروزترین چالش سیاسی ج.ا.ا را مورد بررسی قرار داده است که می‌توان بعنوان برتری پژوهش حاضر با پژوهش گزار در نظر گرفت.

۷- آذری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای پی.بی.سی فارسی و صدای آمریکا» ضمن مطالعه‌ی موردی شبکه‌های تلویزیونی پی.بی.سی فارسی و صدای آمریکا، تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای را در این دو شبکه مورد بررسی قرار داده است. روش پژوهش مورد استفاده در این اثر، تحلیل گفتمان انتقادی بوده است. آذری نشان می‌دهد که در این دو شبکه بازنمایی سوء از رویدادهای مربوط به ایران، بصورت جدی دنبال می‌شود. مهم‌ترین فن جنگ رسانه‌ای به کار رفته در دو شبکه مذکور، سیاه‌نمایی وضعیت ایران از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. مهم‌ترین

<sup>۱</sup> Alvaro

<sup>۲</sup> Gzar

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش آذری، تمرکز این پژوهش بر جنگ شناختی بعنوان مبانی نظری و چارچوبی نوین در عرصه‌ی سیاسی است حالکه در پژوهش آذری این امر انجام نگرفته است.

### اهداف و پرسش پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تجزیه و تحلیل جنگ شناختی اخبار بی.بی.سی فارسی در حوادث بعد از فوت مهسا امینی در بازه‌ی زمانی شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه سال ۱۴۰۱ است. در واقع محقق بر آن است تا با بهره‌گیری از مبانی نظری جنگ شناختی و نیز بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان وندایک به تحلیل مؤلفه‌های جنگ شناختی بی.بی.سی فارسی علیه جمهوری اسلامی در ماجرای حوادث بعد از فوت مهسا امینی، بپردازد. بنابراین، در پژوهش حاضر، بهره‌گیری از چارچوب نظری جنگ شناختی و تحلیل گفتمان وندایک، در پاسخ به این سوال یاری خواهد رساند.

مؤلفه‌های جنگ شناختی مورد استفاده خبرگزاری بی.بی.سی فارسی در پوشش خبری وقایع مربوط به ایران از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱ با استفاده از روش تحلیل گفتمان چگونه تحلیل می‌شوند؟

### روش پژوهش:

در این پژوهش روش تحلیل گفتمان انتقادی برای تحلیل و تبیین خبرهای سایت خبری بی.بی.سی فارسی در بازه زمانی هفته پایانی شهریور ۱۴۰۱ هم‌زمان با وقوع حادثه مربوط به مرحومه مهسا امینی و شروع ناآرامی‌ها در ایران تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۱ به کار گرفته شده است. در این روش که تفسیری‌ترین شیوه‌ی تحلیل متن است پس از گذر از لایه‌های زبانی و محتوای متن در لایه‌ی نهایی به تفسیر و به عبارتی دستیابی به مقصود و هدف نهایی نویسنده پرداخته می‌شود. در واقع ایدئولوژی غالب و پنهان در متن یا همان نظام گفتمانی غالب کشف می‌شود. رویکرد گفتمان‌کاوی موردنظر در این پژوهش رویکرد گفتمان‌کاوی «وندایک» خواهد بود. با توجه به رهیافت تحلیل گفتمان وندایک، فرم ویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از متن خبرهای انتخاب شده در نظر گرفته شد. این فرم حاوی هشت کارویژه است. این کارویژه‌ها که از طریق آن‌ها می‌توان نظام گفتمانی حاکم بر خبرها همچون شناسایی مقولات متنی و درون متنی متون خبری را به دست آورد، عبارتند از سبک واژگان (مثبت و منفی)، افراد و نهادهای مطرح شده در متن (مثبت و منفی)، قطب‌بندی یا غیرسازی، استنادها، پیش فرض‌ها، تلقین و تداعی‌ها، و گزاره‌های اساسی متن‌های خبری.

### مبانی نظری

اصطلاح جنگ شناختی طی چند سال گذشته وارد دایرةالمعارف نظامی و علوم شناختی، ارتباطات، روانشناسی و دانش رایانه‌ای شده است. از سوپوی جنگ شناختی به عنوان پدیده‌ای نوین در علوم استراتژیک، محصول نگاهی جامع به جنگ‌هایی است که متشکل از تلاش‌های هوشمندانه، جنگ الکترونیکی، عملیات روانشناختی و عملیات سایبری است که در مجموع باعث افزایش کنترل جریان اطلاعات شده است. در این فرایند مقوله‌ی «شناخت»، مؤلفه‌ی مشترک جنگ‌های مذکور است. جنگ شناختی از هرکدام از این عناوین فراتر می‌رود. بصورت اختصاصی جنگ شناختی؛ از دهه ۱۹۹۰ بکار برده می‌شود. تعریف جنگ شناختی در آن زمان که توسط استراتژیست‌ها بکار برده شد با تعریف کنونی متفاوت بود. با این حال، درک معاصر از این مفهوم بیشتر بر این متمرکز است که با تأثیرگذاری بر جمعیت عمومی و با حمله به مغز انسان، دشمن را از درون نابود کند (Burda, 2023:3). در سال‌های اخیر تمایل به مدل جنگ شناختی و تأثیر آن بر جامعه از طریق روش‌های غیرنظامی افزایش یافته است. گسترش روزافزون استفاده از رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های اجتماعی و فناوری‌های دستگاه‌های تلفن همراه، اکنون حوزه‌ی جدیدی را بعنوان جنگ شناختی امکان‌پذیر می‌کند. جنگ شناختی را می‌توان بعنوان بهره‌برداری از افکار عمومی توسط نهادهای خارجی به قصد تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی و دولتی و بی‌ثبات کردن نهادهای عمومی تعریف کرد. ماهیت جنگ شناختی در هنر فریب دادن ذهن یا القای شک و تردید در اذهان و در آنچه که مردم بدان دانش دارند، است. در دنیای امروز، جنگ شناختی تکنیک‌های سایبری، اطلاعاتی، روانی و مهندسی اجتماعی را برای رسیدن به اهداف خود ترکیب می‌کند. جنگ شناختی با استفاده از اینترنت و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، به طور استراتژیک افراد با نفوذ، گروه‌های خاص و بخش‌های بزرگی از جامعه را هدف قرار می‌دهد (Vozmitel, 2022: Introduction).

از حیث هدف‌شناسی، جنگ شناختی می‌تواند اهداف مختلفی را دنبال کند. اهداف جنگ شناختی، تحول در نحوه نگرش انسان به محیط پیرامون است و زمینه را برای انجام کاری خاص که به گستردگی کل کشور و تمام افراد جامعه اعم از نیروهای نظامی، غیرنظامی و حتی زنان و کودکان آن جامعه می‌باشد، مهیا می‌سازد. در جنگ شناختی دریافت پاسخ و نتیجه‌ی مورد انتظار، اهمیت دارد. در میدان نبرد شناختی، هر انسانی به یک سلاح تبدیل می‌شود و براساس مفهومی که در جنگ شکل می‌گیرد، ترکیب سلاح‌ها باعث ایجاد انگیزه می‌شود و عملیات نفوذ بر روی انسان‌ها موقعیت پیروزی بدون جنگ را ایجاد می‌کند. توسعه راهبردهایی برای پیروزی در جنگ‌های متعارف با شدت بالا و عملیات پیچیده و تصادفی، مستلزم بازتولید ظرفیت و روی‌آوری به جنگ شناختی است. اگر برخی از دولت‌ها در فرهنگ نظامی خود موفق باشند، اما اگر در میدان نبرد

شناختی مهارت نداشته باشند، فرهنگ استراتژیک آنها به شدت آسیب می بیند و نقاط کور شناختی آنها تحت تأثیر رقبای خود و دشمن قرار می گیرند (Aydemir, 2022: 2060).

یکی دیگر از اهداف دشمن در جنگ شناختی از بین بردن اعتماد جامعه نسبت به حاکمیت، نابود کردن نیروهای اجتماعی و سرمایه های کشور رقیب است. هدف جنگ شناختی در واقعا همان هدف جنگ سخت است که در نهایت از پای درآوردن دشمن و رقیب هدف اصلی می باشد، ولی شیوه تهاجم بسیار متفاوت است. روش عمل در نبرد شناختی مشروعیت زدایی، اعتبارزدایی، اعتمادزدایی، قداست زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمدنمایی است، که در نهایت دشمن امیدوار است سبب روی گردانی اجتماعی و از بین رفتن سرمایه اجتماعی و نیروهای مردمی کشور شود. در جنگ شناختی از ابزار تبلیغات، جوسازی یا پروپاگانداها و رسانه ها برای پیشبرد اهداف خود استفاده می کنند (Morell, 2023: 3).

اصل اساسی جنگ شناختی تنها پیروی از یک استراتژی و پیروزی بدون جنگ نیست (اصل مورد علاقه سون تزو)، بلکه دشمن با استفاده از تغییر واقعیت، جنگی را علیه آنچه که رقیب، به آن علاقمند یا به آن معتقد است، به راه انداخته است. بنابراین جنگی است علیه شیوه های تفکر، منطق ذهنی، بازنمایی های خود به خود و فرآیندهای مفهومی است. هدف، تغییر واقعیت های موجود در جامعه و جهان است، که باعث تضعیف کل جامعه به روشی بادوام می گردد.

### رسانه و جنگ شناختی

رسانه های جمعی از قدرت تأثیرگذاری و اقناع بخشی مخاطبان برخوردارند و از این رو، یکی از کارکردهای اساسی آنها در سازندگی افکار عمومی است. اما همین قدرت نمادین و اقناعی در شرایط خاصی از سوی صاحبان قدرت در نظام بین المللی (امپریالیسم رسانه ای) مورد سوءاستفاده قرار می گیرد. در فضای پست مدرن امروزی رسانه ها به عنوان ابزار کارآمد حوزه جنگ شناختی مطرح است. رسانه ها از پژوهشگران تحلیل گران و روزنامه نگاران و انجمن های مختلف استفاده می کنند تا جنگ را شکل دهند و بی شک جنگ شناختی مزیت استراتژیک و تاکتیکی دارد که در این محیط و میدان پرابهام شکل گرفته است. اقداماتی که در جنگ شناختی و حوزه رسانه در سطح راهبردی انجام می شود شامل تسلط بر قدرت جهانی با ابزار رسانه، ایجاد ظرفیت جدید در اقتدار جهان و تسلط بر ذهن و مغز در اقصی نقاط دنیا و نظام های جهان بوده و قصد به انحلال کشاندن کشورهای هدف را دارند. رسانه ها همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی کنند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می گذارند. بر این اساس، بازنمایی، ساخت رسانه ای و زیبایی واقعیت است. بازنمایی نه انعکاس و بازتاب معنای پدیده ها در جهان خارج بلکه تولید و ساخت معنا بر اساس چارچوب های مفهومی و گفتمانی است. امروزه، در زمان رسانه های کارآمد و سریع، از طیف وسیعی از فرصت هایی که رسانه ها ممکن است بر افکار عمومی و اذهان بگذارد، استفاده می شود و رسانه ها شدیداً مورد بهره برداری قرار می گیرند (Krawczyk, 2022: 195).

در مجموع می توان گفت، تغییر نگرش در جامعه، اختلال و خطا در دستگاه محاسباتی تصمیم گیران، اثر بخش کردن جنگ شناختی از طریق رسانه، ایجاد شکاف و گسست عاطفی - ادراکی بین طیف های مختلف جامعه و نخبگان با حاکمیت و زوال سرمایه اجتماعی، از کارویژه های جنگ شناختی با استفاده از رسانه، در عصر ما به شمار می آید. در واقع رسانه های اجتماعی توان بخش فن آوری قدرتمند جنگ شناختی در همه سطوح هستند، رسانه های اجتماعی از امکان شکل دهی به روایت های استراتژیک و تأثیرگذاری بر آگاهی توده ها تا فریب تاکتیکی روی زمین استفاده می کند؛ نمونه هایی از تاکتیک های رایج عبارتند از استفاده از حساب های جعلی و دزدیده شده برای نفوذ و تأثیرگذاری بر مکالمات داخلی، هدف گیری خرد افراد و مخاطبان انحصاری و توزیع محتوای نادرست و گمراه کننده و رفتار غیرمعتبر هماهنگ برای تقویت یا سرکوب روایت ها است. همان طور که جوامع به طور فزاینده ای به شبکه های کامپیوتری و خدمات دیجیتال وابسته می شوند، آسیب پذیری برای حملات جنگ شناختی افزایش می یابد. با ظهور شبکه های جی ۵<sup>۱</sup> و اینترنت پیشرفته، دنیای فیزیکی و دیجیتال با هم ادغام می شوند و امکان بهره برداری و دستکاری داده ها افزایش می یابد. حملات در حوزه سایبری ممکن است اطلاعات ارزشمندی را در اختیار دشمنان قرار دهد که می تواند برای ایجاد تأثیرات شناختی از بی اعتبار کردن کشورها، سازمان ها یا پرسنل کلیدی گرفته تا کاهش اعتماد به نهادهای دموکراتیک یا سیستم های رایانه ای استفاده شود (Masakowski, 2022: 3-7).

### پی.بی.سی فارسی و جنگ شناختی

رسانه ها به منزله ابزارهایی قلمداد می شوند که با استفاده از آن می توان اذهان مخاطبان را دستکاری کرد، نگرش های نوینی در اذهان آنان شکل داد، نظرات و نگرش های پیشین آنان را تغییر داد، ارزش های نوینی در اذهان آنان کاشت و به رفتارها و کنش های فردی و اجتماعی آنان جهت داد. در واقع سیاستمداران و رسانه ها عمیقاً بر شهروندان تأثیر می گذارند و فضای مجازی فرصت های بسیاری را برای تأثیرگذاری بر مخاطبان بصورتی گسترده باز می کند. درصد افرادی که اخبار را به صورت

<sup>۱</sup> Fifth Generation Technology Standard for Cellular Networks

آنلاین و از رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر دنبال می‌کنند، تقریباً ۹۰٪ و ۵۰٪ است. با این مصرف بالای محتوای خبری در فضای مجازی، جنگ شناختی می‌تواند به راحتی یا بدون حضور منافع خارجی پیشرفت کند. علاوه بر موارد مذکور، بیش از ۳۰ درصد از مردم تمایل دارند اخباری را که به صورت آنلاین دنبال می‌کنند، به اشتراک بگذارند و عملاً به منابع اطلاعاتی برای مخاطبان بعدی تبدیل شوند. اطلاعات نادرست و تبلیغات نیز اغلب منتشر می‌شود و به‌طور موثر تعریف تبلیغات مشارکتی را برآورده می‌کند (Burda, ۲۰۲۳:۵)

بی.بی.سی فارسی بخشی از یک سازمان رسانه‌ای پیچیده بین‌المللی است که بر سلیقه عمومی تأثیر دارد. این رسانه قدیمی‌ترین رسانه در جهان محسوب می‌شود، اما در عین حال از آخرین دستاوردهای علمی در حوزه رسانه برای تأثیرگذاری بر مخاطبان استفاده می‌کند. بی.بی.سی به‌عنوان قدیمی‌ترین رسانه فعال (رادیو از سال ۱۹۲۲ و تلویزیون از سال ۱۹۳۶) در حال تولید و استفاده از جدیدترین فناوری‌های رسانه‌ای در جهان است. بی.بی.سی یک سازمان پیچیده است که در محیطی پیچیده فعالیت می‌کند. این سازمان دارای ویژگی‌های متضادی از جمله دولتی و خصوصی، انتفاعی و غیرانتفاعی و انعطاف‌پذیری تجاری است. بی.بی.سی متعهد به تولید برنامه‌های متنوع است، اما بی‌طرفی همواره محور اصلی فعالیت آن است. توافقنامه مجوز بی.بی.سی نیز بر لزوم رعایت دقت و بی‌طرفی در پوشش موضوعات بحث‌انگیز و جنجالی در برنامه‌های خبری و سایر برنامه‌های مرتبط با مسائل سیاست‌های عمومی، بحث‌های سیاسی یا صنعتی تأکید دارد. (اسماعیل‌نژاد، ۱۳۹۹: ۳).

اهداف راهبردی رسانه بی.بی.سی فارسی در راه‌اندازی جنگ شناختی علیه ایران را می‌توان چنین بیان کرد: ۱. ارائه‌ی چهره‌ای مخوف از اسلام و جمهوری اسلامی نزد افکار عمومی جهان به‌ویژه غرب؛ ۲. ناکارآمدی دین در اداره‌ی جامعه و چالش مشروعیت؛ ۳. تلقین به‌روز اجماع جهانی بر ضد ایران (سرابی، ۱۳۹۹: ۵۷). با بررسی اخبار منتشر شده از شبکه خبری بی.بی.سی فارسی در حوادث بعد از فوت مهسا امینی در بازه‌ی زمانی شهریور تا دی ماه ۱۴۰۱، بوضوح، غرض‌ورزی‌ها و سوگیری و همچنین عدم عینیت‌گرایی خبری، در اخبار این نوع شبکه را نشان می‌دهد. در واقع؛ این نوع پوشش خبری، بطورکامل سیاسی و همراه با تبعیض و جانب‌داری از عملکرد کشورهای مخالف ج.ا.ا. بوده است. بنظر کارشناسان حوزه‌ی ارتباطات، در رویدادهای عمومی، اخبار سیاسی در تأثیرگذاری بر عقاید و آراء مردم، نقش بسزایی دارند و برداشت آنها را نسبت به مناسبات جهانی شکل می‌دهند. خبرگزاری‌هایی چون بی.بی.سی فارسی معمولاً در راستای اهداف خود، رویدادهای خبری را تغییر می‌دهند و واقعیت‌ها را بنحو دیگری بازتولید می‌کنند؛ به این وسیله تلاش می‌کنند در این جنگ شناختی به افکار عمومی جهت بدهند.

### تحلیل گفتمان انتقادی

تئون وندایک<sup>۱</sup> استاد مطالعات گفتمانی در دانشگاه آمستردام هلند و در حال حاضر استاد افتخاری دانشگاه پامپتوفا برای بارسلون اسپانیا است. وندایک درباره‌ی روانشناسی شناختی درک گفتمان، نظریه‌های ادبی، دستور متنی در گفتمان پژوهش می‌کند و مقالات بسیار و چندین کتاب از وی منتشر شده است. وی بنیان‌گذار و سردبیر هفت مجله پژوهشی بین‌المللی است و در بیش از پانزده مجله‌ی مهم پژوهشی در حوزه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی بعنوان عضو شورای نویسندگان فعالیت دارد. او سردبیر موسس مجلات متن، گفتمان و جامعه است. وی رویکرد «شناختی-اجتماعی» دارد (افخمی، ۱۳۹۷: ۵۳).

تحلیل گفتمان انتقادی، ریشه در پارادایم انتقادی دارد. تحلیل گفتمان انتقادی شاخه‌ای علمی میان رشته‌ای در علم زبان‌شناسی است که زبان را به عنوان شکلی از کارکرد اجتماعی بررسی می‌کند و بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به‌وسیله متن و گفتگو تأکید می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم بفهمیم گفته‌های اشخاص تا چه اندازه، نتیجه ایدئولوژی‌های فردی و سیاسی اجتماعی آنهاست و این ایدئولوژی‌ها هنگام رویارویی با جناح مقابل، چگونه مورد بحث قرار می‌گیرد. وندایک معتقد است، مسئله درون و بیرون گروه در تحلیل انتقادی گفتمان، مسئله‌ای بسیار مهم و حیاتی است. متون، به‌گونه‌ای نوشته می‌شوند که منافع فردی و گروهی را تأمین کنند. این نوع تحلیل، زبان را به عنوان علمی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن اعم از گفتاری و نوشتاری مورد مطالعه قرار می‌دهد. در واقع تحلیل گفتمان انتقادی تحلیل ایدئولوژی‌های موردنظرگویندان یا نویسندگان است. از نظر پژوهش‌گران براساس تحلیل گفتمان انتقادی گفته‌ها (متون) نویسنده. محور یا گوینده. محور هستند و با توجه به فکر و عقاید نویسنده یا گوینده سازماندهی می‌شوند و با تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان تا حد زیادی به فکر و اندیشه نویسنده یا گوینده دست یافت. بنابراین، این‌گونه تحلیل، به بررسی نحوه‌ی سازماندهی اندیشه نویسنده یا گوینده در متن می‌پردازد. پژوهشگران معتقدند در تحلیل گفتمان انتقادی، اندیشه‌ی نویسنده یا گوینده برحسب دیدگاه اجتماعی. فکری‌اش با واژگان و ساختارهای دستوری ویژه‌ای شکل می‌گیرد و ساختارهای گفتمان‌مداری در متن به وجود می‌آید. با بررسی ساختارهای گفتمان مدار لایه‌های نهفته زبانی و میزان صراحت و پوشیدگی متن تعیین می‌شود (یاسمی، ۱۳۹۵: ۱۹۲). در روش تحلیل گفتمان انتقادی وندایک که تفسیری‌ترین شیوه‌ی تحلیل

<sup>۱</sup> Teun Adrianus van Dijk

متن است پس از گذر از لایه‌های زبانی و محتوای متن در لایه‌ی نهایی به نقد و واکاوی و تفسیر و به عبارتی دستیابی به مقصود و هدف نهایی نویسنده پرداخته می‌شود. در واقع ایدئولوژی غالب و پنهان در متن یا همان نظام گفتمانی غالب کشف می‌شود. تحلیل گفتمان انتقادی، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی زمینه متن ( واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه وکل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند.

امروز رسانه‌ها با گستردگی بیش از حد خود نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی جهان دارند. رسانه‌ها گرچه ادعای عینیت و بازنمایی واقعیت را دارند، اما هیچ رسانه‌ای فارغ از ارزش نیست و همواره در چارچوب و بستر کلان‌تری فعالیت می‌کنند. رسانه‌های جمعی، تنها انتقال دهنده یک محتوا نیستند، بلکه برآمده از سیاست‌گذاری‌های خرد و کلانی هستند که بخش اعظم آنها از سوی قدرت‌مندانی بیرون از حوزه فعالیت رسانه‌ها، تعیین می‌شود. صاحبان قدرت، با توجه به منافع و مصالح خود و به لحاظ موقعیت موجود در نظام اجتماعی کشورها و همچنین در سطحی وسیع‌تر در نظام جهانی، به طرح الگوهای دست می‌زنند تا رسانه‌ها با اجرایی کردن این الگوها اهداف و مقاصد آنها را جامه عمل بپوشانند. صاحبان قدرت، به لحاظ منافع خاص خود در هر برهه‌ای و متناسب با کشوری که در مقابل خود دارند، الگوهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن کشور را از طریق اعمال جنگ شناختی دست‌خوش آسیب می‌سازند. در این میان یکی از بسترهای اصلی رسانه‌ای برای انتقال اطلاعات و جهت‌دهی افکار عمومی «خبر» است. وندایک دریاهای اهمیت خبر بر این نظر است که بسیاری از اعتقادات و دانش سیاسی - اجتماعی ما درباره جهان، ناشی از گزارش‌های خبری است که ما هر روز می‌خوانیم یا می‌بینیم و احتمالاً در گفت‌وگوهای روزمره، هیچ عمل گفتمانی دیگری وجود ندارد که به اندازه اخبار همواره و به‌طور پیاپی مردم را به خود جلب کند. با توجه به همین ظرفیت رسانه‌ها؛ کشور انگلیس و آمریکا همواره در نیم قرن اخیر سعی کرده‌اند تا با استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای، موانع پیشرو سیاست خارجی خود را در کشورهای هدف از جمله ایران برطرف کنند. انگلیس به‌وسیله‌ی شبکه خبری با عنوان بی.بی.سی فعال است و به ۹۲ زبان زنده در قالب سایت اینترنتی، صدا، تصویر و حضور فعال در شبکه‌های مجازی برنامه‌های خبری پخش و منتشر می‌کند. یکی از کانون‌های توجه این رسانه‌ها حوادث بعد از فوت مهسا امینی در پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ بود.

معیارهای ما برای انتخاب و نمونه‌گیری خبرها هشت مؤلفه مورد نظر وندایک بود که در ادامه بیان خواهند شد. از آن جا که این پژوهش برای تحلیل متون سایت فارسی زبان بی.بی.سی بر مبنای شیوه‌ی تحلیلی و دیدگاه‌های تئون ون دایک سازمان یافته، لذا متغیرها و مقوله‌های مورداستفاده به شرح ذیل خواهند بود:

#### - واژگان

به لحاظ سنتی شناخته‌شده‌ترین راه مطالعه ایدئولوژی و زبان، تحلیل اقلام واژگانی است. کلمات ممکن است طوری انتخاب شوند که عموماً ارزش‌ها و هنجارهایی داشته باشند و بنابراین ممکن است برای بیان یک قضاوت ارزشی (مثلاً تروریست یا نژادپرست) به کار روند؛ اما هرچند گزاره‌های زیادی (مثل زیبا، کثیف و...) وجود دارند که در حالت طبیعی برای بیان یک نظر به کار می‌روند، اما گزاره‌های دیگری (مثل آلوده، دمکراتیک، هوشمند) هم وجود دارند که بسته به اینکه یک سیستم ارزشی یا معرفتی چه پیش‌فرضی از آنها دارد، می‌توانند واقع‌گرایانه یا اریزایانه باشند. در واقع واژگانی که یک گوینده یا نویسنده به کار می‌برد، دقیقاً با قدرت، موقعیت سیاسی، اجتماعی و حتی اخلاقی او یا به عبارت دقیق‌تر با وزن اجتماعی و سیاسی او سنجیده می‌شود. اینکه واژگان اصلی و کانونی متن کدام‌اند و موضوع یا مفهوم مورد نظر را مثبت یا منفی توصیف کرده‌اند، معرف گفتمان حاکم در مورد عملیات روانی و تبلیغاتی است که در متون خبری اعمال شده است. این مقوله می‌تواند محقق را در تحلیل واقع‌بینانه‌ی متن و زمینه‌های بافتاری متن مدد رساند (هوشیار، ۱۳۹۹: ۱۴۳).

در پژوهش حاضر پس از بررسی سایت خبرگزاری بی.بی.سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی ماه ۱۴۰۱) به تحلیل سبک واژگان منفی و مثبت بکار رفته در اخبار مورد نظر پرداخته می‌شود و به لایه‌های واقعی و پنهان اخبار پخش شده از خبرگزاری مورد مطالعه و چگونگی القای اخبار به مخاطبان، پی برده می‌شود.

#### - افراد و نهاد‌های مطرح شده در متن

بر اساس این مقوله، می‌توان پی برد که نهادها، ارگان‌ها یا مؤسسه‌هایی که در خبرها نام برده شده‌اند، بصورت مثبت مطرح شده یا در جایگاه منفی قرار گرفته‌اند. این مقوله یا کارویژه حاوی داوری متن و کنشگر آن در مورد افراد و نهاد‌های ذکر شده در متن خبر است و در نهایت، به تحلیل مرزبندی‌های متن یاری می‌رساند. بخشی از کارکرد غیرسازی متن در این مقوله مشخص می‌شود (ممرآبادی، ۱۳۹۸: ۴۴). در مقاله حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی.بی.سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی ماه ۱۴۰۱)، می‌توان پی برد که نهادها، افراد، ارگان‌ها یا موسسات که در اخبار خبرگزاری مورد پژوهش نام برده شده‌اند، بصورت مثبت مطرح

شده یا در جایگاه منفی قرار گرفته‌اند. با مشخص کردن هر یک از افراد و نهادهای نامبرده در اخبار، به لایه‌های پنهان جنگ شناختی این خبرگزاری پی برده می‌شود.

#### - **قطب بندی یا غیرسازی (ارزشهای منتسب به «خود» و «دیگری»)**

این مقوله یا کارویژه دارای دو زیرمقوله‌ی مشخص است؛ نحوه‌ی توصیف و معرفی «خود» یا ارزش‌های منتسب به «خود» و نیز توصیف و معرفی «دیگری» یا ارزش‌های منتسب به «دیگری» در متن خبر. این امر می‌تواند در تحلیل بینش‌ها و نگرش‌های رسانه‌ها و بررسی کنش‌گران بین‌المللی آنها یاری‌رسان باشد (هوشیار، ۱۳۹۹: ۱۴۳). بسیاری از ایدئولوژی‌ها حامل و بازتولیدکننده‌ی مناقشه، سلطه و نابرابری هستند. این مناقشه می‌تواند شامل هرگونه‌ای از منافع (نوعاً منابع نمادین یا مادی) باشد و ویژگی‌های آن به صورت قطبی سازمان یابد که این کار با بازنمایی «ما» در برابر «آنها» انجام می‌شود. این قطب‌سازی که همان ارائه‌ی مثبت خود و ارائه‌ی منفی دیگران است، در بیشتر گفتمان‌های ایدئولوژیک وجود دارد. در مقاله‌ی حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی.بی.سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی ماه ۱۴۰۱)، می‌توان به نحوه‌ی توصیف و معرفی «خود» و ارزش‌های منتسب به «خود» و نیز توصیف و معرفی «دیگری» در متن اخبار دو خبرگزاری مورد مطالعه، پی ببریم.

#### - **استناد یا ذکر شواهد در متن**

اینکه متن به کدام منابع مشروعیت‌ساز یا مورد پذیرش از سوی دیگران برای اثبات یا تأیید گفته‌های خود استناد می‌کند، می‌تواند در قابل قبول یا غیر قابل قبول جلوه دادن استدلال‌ها مؤثر باشد. شناخت و بررسی استنادها یا شواهد در متن خبر می‌تواند در تحلیل اینکه خبر بر آن است با چه ادله و ارزیابی مثبت و منفی‌ای واقعیتی را به ذهن مخاطبان خود منتقل کند، حائز اهمیت است. استفاده از نقل قول‌ها، منابع، کارشناسان، مسئولان و رهبران، نمونه‌هایی از این مؤلفه هستند. در مقاله‌ی حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی.بی.سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی ماه ۱۴۰۱) و همچنین واکاوی منابع مشروعیت‌ساز یا مورد پذیرش که این خبرگزاری برای تأیید گفته‌های خود بر آن استناد می‌کنند، می‌توان به اینکه تحلیل خبر با چه ادله و ارزیابی مثبت و منفی‌ای واقعیتی را به ذهن مخاطبان خود منتقل کند، دست یافت. بعلاوه می‌توان پی برد که این خبرگزاری چگونه با اعتبار بخشیدن به منابع مورد استناد خود، مخاطبان را با خود همراه می‌سازند.

#### - **پیش‌فرض‌ها**

پیش‌فرض‌ها، افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهد. بنابراین، شناخت پیش‌فرض‌ها، تحلیل‌گر را قادر می‌سازد به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی صاحب اثر پی ببرد. به طوریکه پیش‌فرض‌ها شامل مفروضاتی است که فهم ارتباط میان قضایا و موضوع متن، مشروط به آنهاست. ورنه فرکلاف معتقد است که پیش‌فرض‌ها از ویژگی‌ها و خصوصیات یک متن نیستند بلکه بخشی از تفسیر تولیدکنندگان متن از بافت بینامتنی هستند. بسیاری از ویژگی‌های صوری متن به این پیش‌فرض‌ها اشاره دارد. در مقاله‌ی حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی.بی.سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی ماه ۱۴۰۱)، به شناخت و استخراج پیش‌فرض‌های بکارگرفته شده از متن اخبار (که ما را قادر می‌سازد به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی دو خبرگزاری مورد نظر، پی ببریم)، می‌پردازیم.

#### - **دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی).**

اطلاعات و مضامین نهفته در یک متن صریحاً بیان نمی‌شود، بلکه غالباً حالت ضمنی و تلویحی دارد. واژگان، بندها، گزاره‌ها، عبارات و جملات یک متن ممکن است بر مفاهیم و گزاره‌هایی دلالت داشته باشند که می‌توان از طریق شناخت اجتماعی و یا دانش زمینه‌ای و اجتماعی مشترک به آنها پی برد. در بسیاری از مواقع، ناگفته‌ها و نانوشته‌های یک متن در تحلیل گفتمان از طریق معانی ضمنی و دلالت آنها که غالباً دارای بار ایدئولوژیک است، به دست می‌آید (فرقانی: ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی.بی.سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی ماه ۱۴۰۱)، به استخراج مضامین نهفته و مفاهیم و گزاره‌ها پرداخته و نشان داده می‌شود که متن خبر از خبرگزاری مورد مطالعه چه چیزی را تداعی می‌کند و چه چیزی را می‌خواهد تلقین کند تا بتواند با گفتمان بکار گرفته، به اهداف نهایی خود در جنگ شناختی علیه سیستم سیاسی ایران، دست یابد.



## - مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن

این مؤلفه‌ها شامل گزاره‌ها، مفاهیم و استعاره‌هایی هستند که متن از طریق آنها درصدد ایجاد توافق و اجماع در مخاطبان برمی‌آید. برخی از این تعابیر ممکن است صادقانه به‌کارگرفته شوند و پاره‌ای دیگر، صرفاً در خدمت مشروعیت‌سازی و ساکت کردن مخالفان و از میدان بیرون کردن گفتمان رقیب باشند. ( هوشیار، ۱۳۹۹: ۱۴۳). در نوشتار حاضر نیز پس از بررسی سایت بی.بی.سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی ماه ۱۴۰۱)، به استخراج مؤلفه‌ها و استعاره‌هایی پرداخته می‌شود که متن اخبار درصدد است با استفاده از آنها در صدد ایجاد توافق و اجماع در مخاطبان خود برآید.

## - گزاره‌های اساسی متن

مفهوم معناشناختی مهمی که در توصیف معنایی به‌کار می‌رود، گزاره است. گزاره را تقریباً می‌توان ساختار مفهومی یک بند تعریف نمود. گزاره‌ها کانون متن هستند. گزاره‌ها عبارات یا جمله‌هایی هستند که معنای اساسی متن بر آنها تکیه دارد و ممکن است مدت‌ها پس از مطالعه‌ی متن در خاطر خواننده یا مخاطب باقی بمانند. در واقع، یک متن از گسترش و بسط گزاره‌های اصلی آن به‌دست می‌آید. گزاره‌ها، پیام اصلی متن را در خود دارند (نوری‌ممرآبادی، ۱۳۹۸: ۴۵). در این مقاله پس از بررسی سایت خبرگزاری بی.بی.سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی ماه ۱۴۰۱)، گزاره‌های اساسی و ساختار مفهومی متن اخبار خبرگزاری بی.بی.سی مورد مطالعه پژوهش حاضر را استخراج نمود و بعد از واکاوی این گزاره‌ها به معنای بنیادی متن پی برده می‌شود.

## جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد بررسی در این پژوهش، اخبار وبسایت بی.بی.سی فارسی در مورد حوادث بعد از فوت مهسا امینی از تاریخ شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱ است.

در این پژوهش به‌عنوان یک پژوهش کیفی، متون اخباری انتخاب شده است که به‌خوبی بیانگر موضع رسانه نسبت به مسئله مورد بررسی باشد از همین رو روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند استفاده شده است و نمونه‌های مورد استفاده ما در این تحقیق شامل اخبار منتشرشده در ارتباط با موضوع است که از وبسایت بی.بی.سی فارسی ۱۰ متن خبر انتخاب شده است (جدول ۱ و ۲).

## تحلیل مقوله‌های گفتمانی بی.بی.سی فارسی

**نظام واژگان مثبت** متون اخبار منتشره بی.بی.سی فارسی در ماجرای بعد از فوت مهسا امینی که با تعابیری همچون: استقلال زنان، برابری، آزادی، حاکمیت قانون، تعیین سرنوشت سیاسی، دموکراسی، جنبش زنانه، حرکت اعتراضی، بهار جدید خیزش‌های اجتماعی، شجاعت تکثیر شده، درصدد است تا نشان دهد که حرکت اعتراضی بعد از فوت مهسا امینی به جنبش سراسری علیه سیستم سیاسی حاکم تبدیل شده است.

**نظام واژگان منفی** متون اخبار منتشره بی.بی.سی فارسی در ماجرای بعد از فوت مهسا امینی در صدد است تا تصویری منفی از سیستم سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران با عناوینی چون حکومت اسلامی و اقتدارگرا، نظام پدرسالار، نظم مردسالار، اقتدار مردانگی نشان دهد. بعلاوه با سبک واژگان منفی چون: تبعیض علیه زنان، سرکوب زنان، فرهنگ زن ستیز، سیستم سیاسی را سیستمی ضد زن و طرفدار سرکوب زنان معرفی کند.

**نحوه استفاده از افراد و نهادها** مطرح شده در متون اخبار بی.بی.سی فارسی نشان می‌دهد که این وبسایت عمدتاً تحلیلگران وابسته به خود؛ صدیقه و سمدی، فاطمه زرین تاج برغانی، و زنان سیمین دانشور، دختران خیابان انقلاب، بعنوان افراد مثبت نام برد و از جاوید رحمان، فولکرتورک، احزاب کردستان ایران و فعالان مدنی و سیاسی کردستان، شاهزاده رضا پهلوی، شهبانو فرح پهلوی، مسیح علی‌نژاد، علی کریمی، سیروان خسروی، ترلان پروانه، ناتانیل بازولیک (بازیگر استرالیایی)، امیر جعفری، بازیگر لادن طباطبایی، آرمیتا عباسی، مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان، وحید آنالین، در جایگاه مثبتی قرار داده و تصویر مثبتی از آنها نشان می‌دهد و از انقلاب سال ۵۷، انقلاب مشروطه، روحانیت، جمهوری اسلامی، رژیم بن علی، گشت‌ارشاد، ماموران حکومت اسلامی، ابراهیم رئیسی، جلال آل احمد، علی شریعتی، روح‌الله خمینی، سیدمحمد طباطبائی، احمد وحیدی وزیر کشور، کمیل خجسته (مدیرعامل پایگاه اطلاع‌رسانی خامنه‌ای)، روزنامه کیهان، را در جایگاه منفی قرار داده و بصورت منفی نشان می‌دهد.

**در خودی‌سازی‌ها**، متون اخبار بی.بی.سی فارسی در ماجرای بعد از فوت مهسا امینی انجام داده است زنان موافق آزادی و پوشش و معترضان، دانشجویان، جنبش اجتماعی و اعتراض فمینیستی، سازمان‌های حقوق بشری، را خودی و دستگاه حاکمیت و دستگاه قضایی حکومت مردسالار، ایدئولوژی زن ستیز، خشونت جنسی علیه معترضان، انکار حقیقت و دروغ‌گویی را منتسب به دیگری دانسته است.

**استنادات** استفاده شده در متون اخبار عبارت‌اند از، شریعت و فقهت- فقه اسلامی، قوانین مدنی، نویسندگان، مجموعه ناظران، دانش آموخته مطالعات خاورمیانه، تورن جامعه شناس، سخنان فکلی‌های اسلام پرور- علی شریعتی- روحانیت مبارز در متون خبری بی.بی.سی فارسی بعنوان منبع استفاده کرده و در بسیاری از متون خود از استنادات استفاده نکرده است و در جاهایی که از استنادات استفاده نموده، بیشتر از افراد بوده تا از خبرگزاری‌ها و برای بی‌طرف نشان دادن خود از منابع، رسانه و افراد متنوع بهره برده است.

با استخراج **گزاره‌های اساسی متون خبری بی.بی.سی فارسی** در حوادث بعد از فوت مهسا امینی در بازه‌ی زمانی شهریور تا دی ماه ۱۴۰۱ پی برده می‌شود که اعتراضات را به جنبش سراسری تعبیر کرده و حاکمیت را در پی پیاده‌سازی نظم مردسالار و پدرسالار دانسته و اعتراضات زنان را با عنوان جنبش زنانه نام می‌برد، مانعی عمده در برابر اهداف مردسالارانه نظام سیاسی، می‌داند. مثلاً در این متن خبر بعنوان گزاره اساسی: «نتیجه اینکه جنبشی که شکل گرفته است، بیشتر به عنوان یک حرکت اعتراضی برای فروپاشی نظم پدرسالار و مردسالار تلقی می‌شود. نظام پدرسالاری از آن جهت که نتوانست موجب بهبود وضعیت در همه جوانب باشد، ناکام شده است و اینک جایگزین آن زنان هستند از آن جهت که زنان راه حل هستند». یا در این متن «کشورهای جهان اسلام که درگیر نظم پدرسالار هستند، شاهد چنین وضعیتی خواهند بود و الگوهای اعتراض و راهبری مبارزات نیز به مدد شبکه‌های اجتماعی به دیگر نقاط جهان اسلام تسری پیدا کنند»، در صدد است تا اعتراضات مردم را گامی اساسی در تغییر بنیادی و انقلاب در ایران نام ببرد.

**عمده پیش‌فرض‌های متون بی.بی.سی فارسی** در حمایت از معترضان و تظاهرات کنندگان و در ضدیت با نظام جمهوری اسلامی ایران و مسئولان است. مسئله زنان در جهان اسلام را مبهم و چندسویه دانسته و حکومت‌های اسلامی را عامل اصلی در بازتولید نظم پدرسالار نشان می‌دهند. همچنین پیش‌فرض می‌گیرد که جان باختن مهسا به دلیل مسئله حجاب، جرقه انفجار خیزشی همگانی قرار می‌دهد و احتمال واکنش خشونت آمیز ایران به قطعنامه شورای امنیت، احتمال ایجاد پرونده‌ی جنایی علیه مقامات ج.ا.ا را پیش‌فرض قرار داده است.

**مهم‌ترین دلالت‌ها و تلقین‌های متون اخبار بی.بی.سی فارسی** در ماجرای بعد از فوت مهسا امینی شامل: «مستحکم‌ترین سد در برابر تغییر وضعیت زنان در جوامع اسلامی را سد شریعت و فقهت می‌داند». «انقلاب ۵۷ جبهه تازه‌ای را علیه زنان گشود که همسو با فقه اسلامی و فرهنگ سنتی بود». «جمهوری اسلامی تمام همت و توان خود را برای تحمیل قوانین ناعادلانه بسیار و در راس آنها حجاب اجباری، بر زنان به کار برده و در این راه از هیچ ستمی فروگذار نکرده است». «فقه اسلامی خیمه خود را بر ستون تبعیض علیه زنان افراشته». از آن جهت که مفاهیم، الگوهای رفتاری، شعارها و شیوه اعتراض بی.بی.سی فارسی در متون اخبار خود بیشتر بدنبال‌القاء بوده است تا تداعی.

**مهم‌ترین تداعی‌های متون وب‌سایت بی.بی.سی** در مورد حوادث بعد از فوت مهسا امینی حول محورها و موضوعاتی همچون: مرگ ژینا به جرقه انفجار و نقطه عطفی در خیزش‌های اجتماعی علیه جمهوری اسلامی، یا تداعی می‌کند که: در دوره استبداد صغیر (۱۹۰۸-۱۹۰۹) و آزادی‌های مدنی بیشتر در تهران، صدای زنان با انسجام بیشتری شنیده شد. یا تداعی می‌نماید که: تحول نسبی که در احوال زنان در نیمه نخست قرن بیستم حاصل شد در واقع فرایندی از دگرگونی بزرگتری بود که در جامعه و تا اندازه‌ای در نظام سیاسی ایران رخ نمود.

**مهم‌ترین مؤلفه‌های اجماع و توافق** در متون اخبار بی.بی.سی فارسی شامل: بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌کاوی در متن ارائه شده نشان می‌دهد این متون می‌کوشد با استفاده از اشخاص حقیقی چون ناظران و نویسندگان و نهادهای حقوقی چون اخوان المسلمین و داعش در متن تحلیل نوع ادبیات و واژگانی که برگزیده است، نشان دهد که: مسئله زنان و نظام پدرسالار در جهان اسلام رابطه مبهم و چندسویه دارد. یا در برخی از متون از لحاظ تاریخی و به‌طور مشخص سه مواجهه و رویارویی زنان با نظم پدرسالار در تاریخ معاصر جهان اسلام شکل گرفته است. در برخی دیگر متون، منظور از نظام پدرسالار، حکومت‌های اسلامی و یا حکومت‌های اقتدارگرایی است که به دنبال تداوم نظم سنتی جامعه اسلامی است که زنان در این نظم جایی ندارند. بعلاوه حکومت‌های اسلامی و گروه‌های اسلامی بنیادگرا، حامیان اصلی تداوم نظم سنتی و کلاسیک است که نقش اصلی را در بازتولید نظم پدرسالار دارند. همچنین بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌کاوی در متن می‌کوشد با استفاده از گفته‌های افراد دانشگاهی بخصوص جامعه شناسان در متن تحلیل و خیر خود و نوع واژگانی که برگزیده است، اعتراضات مردمی را نوعی خیزش و سراغازی برای انقلاب و استمرار حرکت اعتراضی، نشان دهد. و نتیجه‌گیری نماید که این اعتراضات زنان بعد از فوت مهسا امینی یک جنبش فمینیستی است که ایجادکننده نقطه عطف در تاریخ ایران است.

### **نتیجه‌گیری**

جنگ شناختی علیه ایران در حواث بعد از فوت مهسا امینی، از بین بردن سرمایه‌های اجتماعی و معنوی که سال‌ها با نظام ایران، همراه و همدل بوده‌اند، یکی از اهداف این جنگ با استفاده از ابزار رسانه بود. این مقاله با استفاده از روش تحلیل گفتمان

انتقادی رسانه و استخراج مؤلفه‌های جنگ شناختی خبرگزاری بی.بی.سی فارسی به این نتیجه رسید: رسانه فارسی بی.بی.سی فارسی از گفتمان‌هایی برانگیزنده برای بازنمایی بهتر خود از حوادث و رویدادها و فنون خبری متفاوتی استفاده می‌کند که متأسفانه در همین قدرت گفتمانی، این رسانه به پایگاه خبری مرجع بدل شده است. در خصوص نحوه انعکاس اخبار بعد از فوت مهسا امینی می‌توان گفت: اصلی‌ترین گفتمان شکل گرفته براساس تحلیل‌های ساختاری متن و تحلیل‌های معنایی با رجوع به ارتباط روایت و زیرساخت متن اخبار بی.بی.سی فارسی که شرح آن پیش از این گفته شد، گفتمان اصلی وب سایت بی.بی.سی فارسی در خصوص پوشش خبری اعتراضات بعد از فوت مهسا امینی، در رسانه مورد مطالعه؛ «حجاب اجباری»، «خشونت پلیس»، «نبود آزادی و عدالت»، «نقض حقوق بشر»، و «نارضایتی عموم» بوده است. بدین معنا که قرارداد فوت مهسا امینی توسط پلیس گشت ارشاد در کانون نظام‌های گفتمانی روایتی و زیرساختی در پوشش خبری همچون، کشتن دختر سقزی توسط گشت ارشاد، نظام کشتار ج.ا، گشت کشتار و.... کوشیده است که اذهان عمومی را در قالب جنگ شناختی بسمت خود جذب کند. بی.بی.سی فارسی با طرح انگاره‌ها و مصداق‌های یک طرفه‌ای که فوت مهسا امینی دختر کرد و اهل سنت در کانون آن قرار دارد، چارچوب رسانه‌ای حاکی از سرکوب مردم توسط نیروهای امنیتی و گشت ارشاد و اعمال حجاب اجباری و سرکوب و کشتار را تداعی می‌کند.

#### جدول ۱: تیترو تاریخ انتشار متن‌های انتخابی بی.بی.سی فارسی

عنوان خبر	تاریخ انتشار خبر
جرقه انفجار «ابر جنبش» و «انقلاب زنانه» در ایران؟	جمعه ۳۱ شهریور ۱۴۰۱
مهسا امینی؛ دگردیسی نظام پدرسالار و آغاز «بهار جدید» در ایران و منطقه	یکشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۱
اعتراضات سراسری ایران؛ زنان و زمان در بیم و امید	یکشنبه ۸ آبان ۱۴۰۱
خامنه‌ای درباره معترضان: «بسیار حقیرتر از آن هستند که به نظام آسیب بزنند»	شنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۱
اعتراضات ایران؛ قوه قضائیه جمهوری اسلامی یک معترض دیگر را هم به اعدام محکوم کرد	یکشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۱
اعتراضات گسترده در سیستان و بلوچستان؛ شلیک مستقیم نیروهای امنیتی به روی معترضان	جمعه ۴ آذر ۱۴۰۱
ابراهیم رئیسی خطاب به یگان ویژه فاتحین که در سرکوب معترضان دست داشته: «خوش درخشیدید».	شنبه ۵ آذر ۱۴۰۱
نگرانی گزارشگر حقوق بشر از صدور حکم اعدام برای معترضان در ایران	چهارشنبه ۹ آذر ۱۴۰۱
مولوی عبدالحمید: اخبار و روایت برخی از زندانیان «موید تعرض جنسی به زندانیان زن» است.	سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۱
سخنگوی قوه قضائیه ایران: سزای کسانی که در زمین ظلم می‌کنند، جز دار نیست	سه‌شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۱

**جدول ۲: جمع‌بندی مقوله‌های بکار رفته در متون بی.بی.سی**

<p>استقلال زنان، برابری، آزادی، حاکمیت قانون، تعیین سرنوشت سیاسی، دموکراسی، جنبش زنانه، حرکت اعتراضی، بهار جدید خیزش‌های اجتماعی، ابرجنبش، اتوریته جمعی، حق پوشش، اعتراضات خیابانی، شجاعت تکثیرشده، حق آزادی و پوشش، اعتراضات خیابانی، شعارهای ضد حکومتی، معترضان ایرانی، معترضان مسالمت جو، اعتراضات سراسری، اعتصاب، اعتراضات دانشجویی، اعتراض‌های ایران، معترضان بی‌گناه، حقوق بشر، همبستگی مردمان، عمامه پرانی، تظاهرات، اعتصاب</p>	<p><b>مثبت</b></p>	
<p>سدشریعت، تبعیض علیه زنان، استبداد، نبود حقوق سیاسی برابر، سرکوب زنان، فرهنگ زن ستیز، حجاب اجباری، قوانین ناعادلانه، نظام پدرسالار، حکومت اسلامی و اقتدارگرا، گروه‌های اسلامی بنیادگرا، نظم مردسالار، حجاب اجباری، سرکوب، اقتدار مردانگی، ایدئولوژی خشن مردسالار، تعرض جنسی، اغتشاش، شکنجه، سرکوب، دستگاه سرکوب، قوه قضائیه، خشونت، حکم اعدام، تعرض، تحقیر، اعتراف اجباری، شلیک مستقیم، شرایط شدید امنیتی، جو امنیتی، شلیک مستقیم، خشونت خیابانی، خشونت، سرکوب، نقض حقوق بشر، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، تبعیض علیه زنان و کودکان، اعدام معترضان، اغتشاش‌گران، سرکوب‌خونین، محاربه، تعرض، تحقیر، سرکوب، اعتراف اجباری، اغتشاش‌گران، کشتار، سرکوب.</p>	<p><b>منفی</b></p>	<p><b>واژگان</b></p>
<p>صدیقه و سمنی، حسین احسانی تحلیل‌گر گروه‌های بنیادگرای اسلامی، مانوئل کاستلز، مهسا امینی، فاطمه زرین تاج برغانی، سیمین دانشور، مریم فومنی روزنامه‌نگار و پژوهش‌گر، دختران خیابان انقلاب، مهرانگیز کار، حقوق‌دان و پژوهشگر، سازمان ملل، جاوید رحمان، فولکرتورک، احزاب کردستان ایران و فعالان مدنی و سیاسی کردستان، شاهزاده رضا پهلوی، شهبانو فرح پهلوی، مسیح علی‌نژاد، فاطمه سپهری (فعال سیاسی)، علی کریمی، زر ابراهیمی، سیروان خسروی نازنین بنیادی، ترلان پروانه، ناتانیل بازولیک (بازیگر استرالیایی)، امیرجعفری، بازیگرلادن طباطبایی، آرمیتا عباسی، سازمان حقوق بشری ایران، منابع محلی، خبرگزاری محلی حال وش، مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان، اتحادیه آزاد کارگران ایران، بهمن خدادادی تحلیلگرسیاسی، وحید آنلاین، شورای حقوق بشر سازمان ملل، محسن برهانی استاد حقوق دانشگاه تهران. ایازی از فقهای شورای نگهبان، مولوی عبدالحمید، سی.ان.ان، ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، نرگس محمدی، منابع محلی، خبرگزاری محلی حال وش، مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان</p>	<p><b>مثبت</b></p>	<p><b>افراد و نهادهای مطرح شده در متن</b></p>
<p>رئیس شورای حقوق بشر حاکمان افراتی، رژیم دینی، داعش، طالبان، اخوان المسلمین، محمد بوعزیزی، رژیم بن علی، گشت ارشاد، شاه، رهبر، ماموران حکومت اسلامی، ابراهیم رئیسی، جلال آل احمد، علی شریعتی، روح‌الله خمینی، محمدحسن نائینی، سیدمحمد طباطبائی، محمدکاظم خراسانی، احمد وحیدی وزیر کشور، کمیل خجسته (مدیرعامل پایگاه اطلاع رسانی خامنه‌ای)، روزنامه کیهان، مصطفی میرسلیم، قدیری ابیانه، علیرضا عباسی (نماینده)، رئیس دادگستری البرز، مرکز رسانه‌ای قوه قضائیه، مقتدای دادستان، سابق سخنگوی قوه قضائیه، رئیس ق.ق، رهبر ایران</p>	<p><b>منفی</b></p>	
<p>استنادات بکار رفته در متون خبرگزاری بی.بی.سی فارسی عبارت اند از: «جمله امام خمینی: حفظ نظام از اوجب واجبات است»، «شهادت تعدادی از بازداشت شدگان آزادشده»، «منابع بیمارستانی»، «شهادت صوتی یک پسر ۱۷ساله»، «مرکز رسانه‌ای قوه قضائیه»،</p>		<p><b>استناد</b></p>

<p>«سازمان حقوق بشر ایران»، «قوه قضائیه ج.ا.ا»، «اتحادیه آزاد کارگران ایران»، «بهمن خدادادی تحلیلگر سیاسی»، «وحید آنلاین»، «رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل»، «علی ربیعی سخنگوی دولت روحانی»، «گزارش سی.ان.ان به استناد شهادت تعدادی از بازداشت شدگان»، «آیات قرآن در ارتباط با محاربه»، «خبرگزاری حقوق بشری-هرانا»، «تحلیل های جنووت به عنوان پژوهشگر»، «آیات قرآن در ارتباط با محاربه»، «گزارش سی.ان.ان به استناد شهادت تعدادی از بازداشت شدگان».</p>		
<p>پیش فرضها بکار رفته در متون عبات اند از: «مسئله زنان در جهان اسلام مبهم و چندسویه است». «حکومت های اسلامی نقش اصلی را در بازتولید نظم پدرسالار دارند». «مراکز این جنبش محدود به داخل مرزهای کشور نمی شود و ابعاد منطقه ای و بین المللی دارد». «شعار «زن، زندگی، آزادی» همچون اصلی ترین شعار ایجابی این جنبش، چالشگر ایدئولوژی خشن مردسالار، مرگ آفرین استبداد حاکم است». «جامعه ایران وارد مرحله بازگشت ناپذیر دیگری شده است که در آن حکومت دیگر نمی تواند بدون عقب نشینی، رویای طالبانیزه کردن هرچه بیشتر جامعه را دنبال کند». «احتمال واکنش خشونت آمیز ایران به قطعنامه شورای امنیت وجود دارد». «احتمال ایجاد پرونده جنایی علیه مقامات ج.ا.ا، است». «رویه های قضایی در ج.ا.ا غیر شفاف است». «یگان ویژه فاتحین در کنار دیگر نیروهای مسلح که در برخورد با معترضان دست دارند، متهم است که به کشتار شهروندان بی سلاح شامل کودکان و زنان دست زده است». «جمهوری اسلامی، کشتار معترضان را تکذیب می کند و می گوید که مخالفان و ماموران کشورهای دیگر شهروندان ایرانی را در اعتراضها به قتل می رسانند».</p>	پیش فرضها	
<p>زنان آزادی خواه، ملت ایران، جنبش زنانه، جنبش اجتماعی، اعتراض فمینیستی، انقلاب زنانه، ساختارشکن، زنان موافق آزادی و پوشش، حقیقت جویی، معترضان و فعالین، مردم معترض، قشار مختلف مردم معترض ایران از دانشجو گرفته تا شاغلین حوزه حمل و نقل و کامیونداران، سازمان های حقوق بشری، حقوق دانان، افراد مخالف احکام صادر شده</p>	خودی	قطب بندی
<p>نظم مردسالارانه، نظم پدرسالار، اسلامیزه شدن، حکومت مردسالار، استبداد صغیر، مردسالاری، شکاف اقتصادی، استبداد سیاسی، ایدئولوژی زن ستیز، خشونت جنسی علیه معترضان، حکومت سرکوبگر، دستگاه قضایی ج.ا.ا و افراد موافق حکم اعدام، حاکمیت ( سرکوبگر)، دستگاه قضایی ج.ا.ا، انکار حقیقت و دروغگویی، حاکمیت و دستگاه قضایی، دستگاه قضایی ج.ا.ا و افراد موافق حکم اعدام. نیروهای سرکوب</p>	دیگری	
<p>متون درصدداند تلقین کنند که: فوت مهسا امینی سرآغاز یک اعتراض سراسری در ایران شد. متن با بیان این جمله که: «این جنبش از ویژگی تسری و سرایت برخوردار است از آن جهت که مفاهیم، الگوهای رفتاری، شعارها و شیوه اعتراض این رویداد، که حال در مرحله بسیار حساسی است، از دیدگاه تاریخی دراز مدت شایان بررسی است» در صدد تلقین همه گیری و گسترش اعتراضات است.</p> <p>متن به شکلی ظریف بدنبال این است تا نشان دهد که در قضایای بعد از فوت مهسا امینی، مردم معترض تحت پیگرد قانونی قوه قضائیه قرار گرفته و با احکام سنگین اعدام روبه رو شده اند. در این متن «کشته شدن دست کم ۴۴۸ شهروند، از جمله ۶۰ کودک و ۲۹ زن در اعتراضات» و با این آمار ارائه شده در متن درصدد تلقین میزان خشونت بکار گرفته توسط نیروهای امنیتی علیه معترضان است. بعلاوه متن درصدد تلقین این امر است که سازمانهای بین المللی نسبت به میزان خشونت علیه معترضان ابراز نگرانی کرده اند؛ در این متن «عفو بین الملل همچنین نسبت به گزارش هایی ابراز نگرانی «شدید» کرده» متن میکوشد با تمرکز بر استان سیستان و بلوچستان و زاهدان بعنوان شهر حاشیه و فقیر کشور، سرکوب اعتراضات مردمی در این شهر را نشان دهد و همچنین مقاومت مردم در برابر نیروهای امنیتی را بازگویی نماید.</p>	تلقین	دلالت های ضمنی متن

<p>متون درصدداند که تداعی کنند: با شروع اعتراضات و شعارهای معترضان، اعتراضات شکل گرفته الگویی از بهار عربی و با استبدادی خواندن سیستم سیاسی ایران، در صدد موجه جلوه دادن حرکت اعتراضی در ایران بعد از فوت مهسا امینی، است. متون کوشیده است با یک برش تاریخی اینگونه تداعی کند که زنان در طول تاریخی سیاسی ایران در حال تکاپو برای احقاق حقوق سیاسی و اقتصادی خود بوده‌اند و زنان را بعنوان یک سوژه‌ی سیاسی معرفی نموده که در صدد است سیستم سیاسی عصر خود را به سر نهادن به حقوق اجتماعی‌شان، مجبور کند. متون همچنین درصدداند: با انتخاب گفته‌های رئیس جمهور ایران ابراهیم رئیسی اینگونه تداعی کند که دشمنی سیستم با مردم اشکار و عیان است و مرزو حدی ندارد. همچنین: متن کوشیده است با استفاده از گزارش‌های جاوید رحمان اینگونه تداعی کند که سازمان‌های بین المللی و حقوق بشری پیگیر مسائل ایران بعد از فوت مهسا امینی هستند همچنین تداعی نماید که موضوع اعتراضات در ایران جدی بوده و سازمانهای حقوق بشری پیگیر عامل کشتارهای اعتراضات بعد از فوت مهسا امینی هستند.</p>	تداعی	
<p>بررسی مؤلفه‌های گفتمان کاوی در متن ارائه شده نشان می‌دهد که متون می‌کوشند با استفاده از گفته‌های افراد دانشگاهی یخصوص جامعه‌شناسان در متن تحلیل و خبر خود و نوع واژگانی که برگزیده است، اعتراضات مردمی را نوعی خیزش و سرآغازی برای انقلاب و استمرار حرکت اعتراضی، نشان دهد. و نتیجه‌گیری نماید که این زنان و یک جنبش فمینیستی است که ایجاد کننده نقطه عطف در تاریخ ایران است.</p> <p>بررسی مؤلفه‌های گفتمان کاوی در متون نشان می‌دهد که این متون می‌کوشند با استفاده از اشخاص حقیقی چون ناظران و نویسندگان و نهادهای حقوقی چون اخوان المسلمین و داعش در متن تحلیل نوع ادبیات و واژگانی که برگزیده است، نشان دهد که: مسئله زنان و نظام پدرسالار در جهان اسلام رابطه مبهم و چندسویه دارد. از لحاظ تاریخی و به‌طور مشخص، سه مواجهه و رویارویی زنان با نظم پدرسالار در تاریخ معاصر جهان اسلام شکل گرفته است. منظور از نظام پدرسالار، حکومت‌های اسلامی و یا حکومت‌های اقتدارگرایی است که به دنبال تداوم نظم سنتی جامعه اسلامی است که زنان در این نظم جایی ندارند. بعلاوه حکومت‌های اسلامی و گروه‌های اسلامی بنیادگرا، حامیان اصلی تداوم نظم سنتی و کلاسیک است که نقش اصلی را در بازتولید نظم پدرسالار دارند.</p>	مؤلفه‌های اجماع و توافق	

بررسی مؤلفه های گفتمان کاوی متون ارائه شده نشان می‌دهد که این متون در پی بزرگنمایی احکام وارده بر معترضان از سوی قوه قضائیه دارد و درصدد است تا با استفاده واژگانی چون «احکام سنگین»، «اعدام» تاثیر منفی بر مخاطب داشته باشد.

### منابع فارسی

- ۱- اسماعیل‌نژاد، معصومه، (۱۳۹۹)، «تحلیل گفتمان انتقادی سیاستگذاری ارتباطی بی‌بی‌سی فارسی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصلنامه علمی (مقاله علمی پژوهشی)، **مجله رسانه و فرهنگ**، سال دهم
- ۲- افخمی، علی، (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی‌های دونالد ترامپ در مورد مهاجران»، **فصلنامه زبان شناسی اجتماعی**، دوره دوم، شماره اول
- ۳- فرقانی (۱۳۸۲)، «راه دراز گذار»، تهران: **نشر فرهنگ و اندیشه**
- ۴- محبوب عشرت آبادی، حسن، (۱۴۰۱)، «جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی»، **فصلنامه علمی مطالعات منابع انسانی**، دوره ۱۲ شماره دوم.
- ۵- ممرآبادی، علی، (۱۳۹۸)، «مقایسه گفتمان خبری بی.بی.سی فارسی و صدای آمریکا درباره پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌ای**، دوره‌ی ۱۴، شماره ۱
- ۶- هوشیار، مهدی، (۱۳۹۹)، «چهارچوب سازی وگفتمان سازی رسانه ها در پوشش اخبار (تحلیل گفتمان اخبار در پایگاه های خبری بی.بی.سی فارسی و ایرنا به پوشش وقایع خاورمیانه و شمال آفریقا)»، **فصلنامه علمی مطالعات میان رشته‌ای ارتباطات و رسانه**، سال سوم
- ۷- یاسمی، کثوم، (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب امریکن اینگلیش فایل با استفاده از مدل ون دایک»، **فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات**، سال دهم، شماره‌ی ۳۴

### منابع انگلیسی

- ۸- Aydemir, Emrah, (۲۰۲۲), "Ukraine's cognitive warfare operations against Russia: operation, story and micro- mythology", **AVRASYA Uluslararası Araştırmalar Dergisi**.
- ۹- Burda, Robin, (۲۰۲۳), "Cognitive Warfare as Part of Society Never-Ending Battle for Minds" **Hague Centre for Strategic Studies**.
- ۱۰- Krawczyk, Paulina, (۲۰۲۲), "Russia's social-impact operations in the context of cognitive warfare in Ukraine in ۲۰۲۲", **Faculty of National Security, War Studies Academy**
- ۱۱- Masakowski, Yvonne, (۲۰۲۲), "Defence against ۲۱ century cognitive warfare: consideration and implications of emerging advanced technologies", **North Atlantic treaty organization, science and technology organization**
- ۱۲- Morelle, Marie, (۲۰۲۳), "Towards a Definition of Cognitive Warfare, HAL Science", HAL Id: hal-۰۴۳۲۸۴۶۱ <https://hal.science/hal-۰۴۳۲۸۴۶۱>
- ۱۳- Norfolk, Virginia, (۲۰۲۳), "Cognitive Warfare, a Battle for the Brain, Nato, S and T organiarion", file:///C:/Users/aram/Downloads/\$MP-HFM-۲۳۴-KN۳.pdf
- ۱۴- Vozmitel, Ivan, (۲۰۲۲), "Cognitive Warfare: a review", **Journal of society and the state school of governance and politicsn, MGIMO universirt, Russia**